

گذری از هنر شاعری به هنر خوشنویسی استاد شکوهی مشق غزل

حسین صالحی

گنجینه بزرگ ادبیات پارسی وام‌دار تلاش، کوشش و از خود گذشتگی ارجمندانی است که نام بلندشان در طول تاریخ زینت‌بخش دفتر فرهنگ این سرزمین بوده و هست. این سلسله گرانقدر و عزیز تا به امروز نیز امتداد داشته و دارد. سرزمین کهن ما روزهای تلخ و شیرین بسیاری را تجربه کرده است. در پیچ و خم هجوم بیگانگان و سیاهی و تباهی غارتگران، فرهنگ، ادب و هنر ایران بالندگی و حیات خود را از دست نداده است. آن هم به مدد جان‌فشانی سربازان بی‌شمار و عاشقی که در گوشه گوشه این خاک بدون هیچ چشم‌داشتی از بذل عمر، مال و جوانی و نشاط خویش دریغ نورزیده‌اند.

در کتاب قطور و پر افتخار تاریخ فرهنگ و هنر ما نام‌های بسیاری می‌درخشند که بررسی زندگی، آرا و احوال‌شان می‌تواند راهگشای سالکان و رهپویان طریق دانایی باشد. نکته قابل‌تأمل در بررسی زندگی بزرگان ادب و هنر این است که ایشان، تقریباً در تمامی موارد به بیشتر علوم و هنرهای زمانه خویش آشنایی داشته‌اند.

اگر به نگاه دقت و سلامت در آثار حضرت خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی بنگریم، درمی‌یابیم علاوه بر تسلط این شاعر بزرگ پارسی‌سرا بر زبان و ادبیات، ایشان از دانش و هنر خوشنویسی بهره‌مند بوده‌اند.

گر دست دهد خاک کف پای نگارم
بر لوح بصر خط غباری بنگارم

مخاطب آشنا به هنر خوشنویسی، می‌داند که این اشارات دقیق و ملیح نشانه آشنایی عمیق حافظ به هنر خوشنویسی است. در گذشته خوشنویسان، خاک بسیار نرم و بیخته‌شده



را در کیسه پارچه‌ای کوچکی می‌ریختند و هنگام کتابت نوک قلم را ابتدا داخل غبار می‌کردند تا چربی آن گرفته شود. کاربرد دیگر غبار هنگامی بود که خوشنویس برای خشک شدن مرکب عجله داشته و کمی از غبار را روی نقاطی که مرکب هنوز خشک نشده بود می‌ریخت. علاوه بر اینها قلم کوچکتر از نیم‌میلی‌متر را هم قلم غبار می‌گویند. لوح بصر اشاره به سپیدی چشم و توالی آن با سپیدی کاغذ است و مردمک یا سیاهی چشم به حروف نگاشته شده بر صفحه خط اشاره دارد. مقارنه آوایی نگارم و بنگارم و هم‌معنایی یا ایهام واژه نگار به دو معنی معشوق و تصویر نقاشی‌شده (نگاره) نیز بر زیبایی این بیت حیرت انگیز افزوده است. به یقین شاعر با دقایق الفاظ تخصصی خوشنویسی آشنایی داشته است.

در ادامه به اشاره نمونه‌هایی از ابیات خوشنویسانه دیگر نام‌آوران ادب پارسی بسنده می‌کنم:

فی‌دانم چه بیرون می‌نویسد از دل پر خون؟
که چشم من ز تار اشک، مسطر کرد دریا را (صائب تبریزی)
توضیح اینکه مسطر وسیله خط‌کشی برای انجام کتابت است و تنها در هنر خوشنویسی کاربرد داشته است.



مسطر خوشنویسی

در دبستان ریاضت، فرد باطل نیستیم
صفحه پهلوی ما را بوریا مسطر زده است (صائب تبریزی)
که به اندام لاغر و دیده‌شدن استخوان‌ها از زیر بوریا و شباهت آن با مسطر کتابت اشاره دارد.

کرد دلگیر سفر پای گران خواب، مرا
هیچ کس با قلم کند، کتابت نکند! (صائب تبریزی)
همچو سروآزادگان را قید الفت راستی است
خط مسطر دام باشد مصرع برجسته را (بیدل دهلوی)
هر کجا نسخه کنند آن خط ریحانی را
نیست جز ناله کشیدن قلم مانی را (بیدل دهلوی)
(خط ریحان یکی از اقلام سته است.)
ندمد در بهارگاه دو کون
سبزتر از خط تو ریحانی (عطار نیشابوری)

خط ریحانی بر چهره مشکین خالش
همچو بر برگ سمن بود غبار عنبر (سیف فرغانی)
از گوهر و از نبات و حیوان
بر خاک ببین سه‌خط مسطر (ناصر خسرو قبادیانی)
ربعی نموده پیکرش، خط‌های مسطر در برش
ناخن بر آن خط‌ها برش، وقت محاکا ریخته (خاقانی شروانی)
به بارگاه رفیع تو قهر اعدا را
به از هزار کتیبه یکی بود مکتوب (رشیدالدین وطواط)
و بسیاران از این دست در شعر کهن که نشانگر اهمیت خوش‌نگاری و خوش‌خطی در آن روزگار بوده است.

در طول تاریخ اتفاقات بسیاری در مسیر ادبیات پارسی افتاده که آثار فعالان این عرصه را دچار امواج کرده است. اما در میانه این آشفته‌بازار، ادبیات فاخر و اصیل همواره متولیان ارجمندی داشته و دارد که به دور از هیاهو و در خلوت و آرامش به سرودن شعر ناب مشغول‌اندو

استاد غلامرضا شکوهی امتداد این سلاله پاک است. از این رو همانند هم‌تایان کهن و هم‌عصر خود به بسیاری از علوم و فنون زمانه خود آشنایی داشت. در زمانه و سرزمین ما ارجمندان بسیاری چون ایشان زیسته‌اند که چنین خصلت‌هایی داشته و دارند. در میان متقدمان می‌توان به هنرمندان شاعری چون وصال شیرازی، سلطان‌علی مشهدی، میرعماد حسنی، میرعلی هروی و بسیاران دیگر اشاره کرد. در میان معاصران و معاشران استاد شکوهی نیز مرحوم استاد احمد کمال‌پور نیز خوشنویس قابل‌ی بود. هنر شاعری و در آن میان توان بی‌نظیر غزل‌سرایی استاد شکوهی چنان شاخص و برجسته است که به دیگر جنبه‌های هنر و شخصیت ایشان کمتر توجه شده است. اما این یادداشت سعی دارد گوشه‌ای از هنر خوشنویسی و طراحی و نقاشی ایشان را بررسی کند. باشد که این ویژگی‌ها در غبار ایام گم نشود.

استاد شکوهی هنر خوشنویسی را در محضر استاد کل، آقاسیدحسین میرخانی، آموخته بودند. مدت تعلیم ایشان در محضر آن استاد کوتاه بوده اما شاکله کلی و هیئت خط شکوهی شباهت بسیاری به خط استادش دارد. ویژگی بارز شیوه تعلیم استاد حسین، پرداختن به امور معنوی و پرورش استعدادها و هنجاریان بود. خود آن بزرگوار علاوه بر خوشنویسی استاد بی‌بدیل کمانچه بودند و این ساز را در حد استادی می‌نواختند.



نمونه خط استاد کل، سیدحسین میرخانی

اما بهترین نمونه‌های خوشنویسی ایشان گزیده ابیاتی است که با قلم مشقی و چلیپایی نوشته شده‌اند. تمایل استاد شکوهی بیشتر به استفاده از قلم مشقی (حدود سه تا شش میلی‌متر) بود. این اندازه قلم، مناسب تکبیت‌نویسی است.

البته نمونه‌های پرتعدادی چلیپا نیز از ایشان دیده بودم. دوستانی که به انجمن حلاوت رفت و آمد داشتند چند نمونه چلیپا را در فضای انجمن به خط ایشان به خاطر دارند که از اشعار خودشان بود.



بیشتر خطوط استاد شکوهی منتخبی از تکبیت‌سرایه‌های خودشان بود. باید در نظر داشت که تکبیت‌های ناب و اثرگذار ویژگی بارز شعر شکوهی بود. به گونه‌ای که بسیاری از این تکبیت‌ها زمره خلوت و تنهایی اهالی شعر و ادب است.

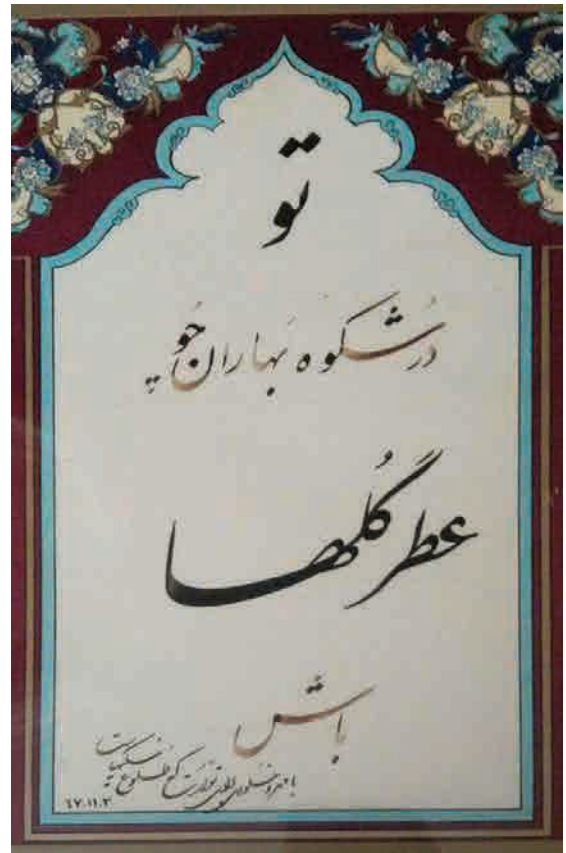
گوشه‌گیری و وارستگی شکوهی باعث شده بود که مشق خط مونس لحظات ناب تنهایی و سرایش او باشد. سر آن ندارم که درباره شخصیت و جایگاه ادبی شکوهی سخنی به میان آورم. در این باره دوستان دیگر به تفصیل و شایستگی گفته و خواهند گفت. اشاره من به نوع گزینش ابیات، تک‌نگاری‌های نستعلیق ایشان است. در این گزیده ابیات هم همین طبع وارستگی و بی‌اعتنایی به ظواهر فریبنده مادی به وضوح حاکم است. احساسات رقیق و دل‌مهربان او در نرمی و بی‌پیرایگی خطوطش موج می‌زند و این بیت گزیده زنده یاد صاحبکار:

اگر مردم نسیف فرزند شمع بر مزار من
چرا پیوده سوزد بی‌کتابی کنان من

مشق شکوهی

اندام خط ایشان لاغرتر از شیوه معاصر است. این فرم حروف یادگار

در خوشنویسی دو روش مشق معمول است؛ بعضی از خوشنویسان پاکیزه‌نویس هستند و تأمل بسیاری روی آثارشان دارند، در انتخاب کاغذ و تنظیم مرکب دقت و وسواس زیادی به خرج می‌دهند. به همین سبب تعداد آثارشان کم است. اما دسته دیگری از خوشنویسان مشاق هستند، یعنی سرعت نگارش‌شان بیشتر است و روی شرایط نگارش حساسیت زیادی ندارند. بیشتر مایل به لذت مشق و ثبت اثر با سرعت و تعداد بیشتر هستند. استاد شکوهی و بیشتر شاعران خوشنویس در شمار دسته دوم قرار می‌گیرند. شوق ثبت ابیات و توجه ویژه به مطلب نیز همین شیوه مشق را می‌طلبد. بسیاری از آثار به‌جا مانده از ایشان در شرایط نامناسب مشق شده‌اند. حتی بر کاغذ خشک دفتر مدرسه و با مرکب و قلم نامناسب، اما همین مشق‌های بداهه دارای حس و حال خاصی هستند. معمولاً این آثار منتخبی از اشعار خودشان است. در واقع می‌توان این مشق‌ها را در دسته خط تحریری برشمرد. نمونه‌های زیر از این دسته هستند:



استاد شکوهی، به گواهی دوستان و یاران نزدیکش، مردی دست و دلباز و بخشنده بود. من به واسطه اشتغال به خوشنویسی و افتخار شاگردی ام در شعر، حشر و نشری با ایشان داشتم. هر بار که محضرشان می‌رسیدم بیش از پانزده- بیست نمونه مشق در دانگ‌های مختلف نشانم می‌دادند و نظر می‌پرسیدند. شگفت اینکه از این مجموعه بزرگ در روزهای نگارش این یادداشت تعداد اندکی در دسترس بود که امیدوارم به زودی و با همت یاران نزدیک آثار خوشنویسی ایشان هم گردآوری کامل‌تری شود.

اندیشه پویا و جوان او در آثارش جاودان خواهد ماند. مصداق بیت حضرت حافظ که استاد شکوهی ارادت ویژه‌ای داشت به ایشان:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

استاد کل، آقاسیدحسین میرخانی است. علاوه بر آن فواصل حروف و خُرد اندام‌ها، همچنین فاصله سطرها نیز به فراخور شکل عمومی خط کمی بیشتر از معمول به نظر می‌رسد. تراش قلم هم تیز و کم‌گوش است که برای اجرای ظرایف مناسب‌تر باشد. آنچه در خوشنویسی معاصر بسیار معمول شده است، یعنی تراش و پرداخت حروف و کلمات، در خط شکوهی مطلقاً دیده نمی‌شود. خصلت بداهه‌نویسی و البته سرعت زیاد نگارش اجازه پرداخت و تکلف به خوشنویس نمی‌دهد.

فهد کلام تو چون آیه قاب خواهد شد
اگر دعا تو کنی مستجاب خواهد شد

در این خطوط به ندرت از خط‌کش استفاده شده است. حتی فواصل سطرها در چلیپا و دوسطری هم معمولاً با چشم تخمین زده شده و در بیشتر موارد هم موفق بوده است.

این خطوط از نظر قواعد موفق و ممتاز هستند، هرچند درجه‌بندی خط برای این شاعر بلندپایه کوچکترین موضوعیتی نداشت. خطوط معایبی هم در رعایت اصول دارد اما حال و هوای درونی نگارنده در آثار متجلی است و گیرایی و گرمی را در این سطرها باعث شده است.

سر که در سینه‌ی داشت بدلداری اد
دل نفرین شد ما ست که شما ست